



## مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی امام خمینی (ره)

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی فلسفه

موضوع:

# هویت فلسفه‌ی اسلامی

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین سید یدالله یزدان پناه (دامت برکاته)

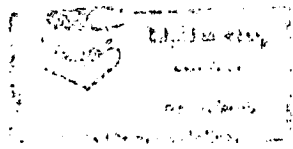
استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین علیرضا اعرافی (دامت برکاته)

نگارش:

تهران خلیل اویج

سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴



الله اعلم  
محمد بن عبد الله

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

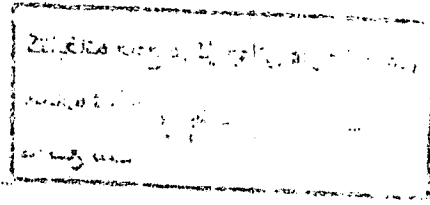
شماره ثبت: ۱۱۹۷

تاریخ ثبت:

- مرکز جهانی علوم اسلامی مسئول عقایدی که نویسنده

در این پایان نامه اظهار کرده است، نمی باشد.

- استفاده از این اثر با ذکر منبع بلا مانع می باشد.



# هویت فلسفی اسلامی

تقدیم به:

پیامبر گرامی اسلام (ص)، حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) و ائمه‌ی معصومین (ع) به ویژه  
امام غایب ولی عصر (عج)،  
و به پیروان راهشان، آنان که در علم و عمل استوارند،  
و به پدر و مادرم که چراغ زندگی من هستند!

با تشکر از:

استاد گرانقدر راهنمایم، حجت‌الاسلام و المسلمین حاج‌آقای سید یدالله یزدان‌پناه  
(دامت برکاته) و استاد ارجمند مشاورم، حجت‌الاسلام و المسلمین حاج‌آقای علیرضا اعرافی  
(دامت برکاته) که بر بنده منت گذاشته‌اند و افتخار شاگردی کردن را نصیب بنده کرده‌اند.

اگر قوتی در اثر حاضر دیده می‌شود، مرهون نظرات این بزرگواران می‌باشد که افتخار  
انعکاس آن، از آن بنده است.

همچنین، تشکری صمیمانه از برادر بزرگوارم، آقای سعید خلیل‌اویچ، به عمل می‌آورم  
که در تمام مراحل تحصیل، از جمله نوشتن این پایان‌نامه همراهی دانا و مشاوره دلسوز برای  
من بوده است.

چکیده‌ی مطالب:

تلاش برای ایجاد فلسفه‌ای هم‌افق با دین اسلام، از دغدغه‌های دیرین دانشمندان مسلمان می‌باشد. فعالیت‌های گسترده‌ای که فلاسفه‌ی مسلمان از همان ابتدای آشنایی جهان اسلام با فلسفه انجام داده‌اند و امروزه در حال گسترش آن می‌باشند، به وضوح، این درگیری فکری فیلسوفان مسلمان را نشان می‌دهد.

مسائل فلسفه‌ی اسلامی، هرچند قرن‌های مدیدی است که موضوع مطالعات گسترده‌ی علمای مسلمان است، لیکن هویت خود فلسفه‌ی اسلامی، تا به حال، کم‌تر موضوع نوشته‌ای مستقل و فراگیر بوده است. با توجه به نیاز شدید جهان اسلام به تولید علم و جنبش نرم‌افزاری، نوشتن پایان‌نامه‌ای با موضوع «هویت فلسفه‌ی اسلامی» در نظر گرفته شد. همان‌طور که از عنوان پایان‌نامه پیداست، سؤال اصلی این نوشته، این است که اسلامی بودن فلسفه‌ی اسلامی (فلسفه‌ی اولی) به چه لحاظی می‌باشد.

اگر فلسفه را به معنای شناخت هستی با روش عقلانی، و دین اسلام را به معنای مجموعه‌ای از معارف و دستورات که ناظر به حقیقت هستند، بفهمیم، می‌توانیم هویت فلسفه‌ی اسلامی را به این صورت تعریف کنیم:

«فلسفه‌ی اسلامی، آن شناختی از موجود به صورت کلی و با روش برهانی و عقلانی است که مستقیم یا غیرمستقیم از دین اسلام به دست آمده باشد».

تاریخ فلسفه‌ی اسلامی، تلاش مسلمانان برای توفیق میان دین اسلام و فلسفه را ضبط کرده است. گذشت زمان نشان داده است که پیوند میان فلسفه و دین اسلام، هرچه بیش‌تر بر شناخت حقیقی دین اسلام متکی باشد، استوارتر خواهد بود. نمونه‌ی بارز این ادعا، ملاصدرا، روش بهره‌مندی او از دین اسلام و موفقیتش در تجدید فلسفه‌ی اسلامی می‌باشد که احدی از صاحبان فن در آن شک ندارد.

از همین رو، در این نوشته، به استفاده از هستی‌شناسی و حیانی توجهی ویژه نشان داده شده است و در همین راستا، روشمند کردن فهم هستی‌شناسی و حیانی برای نزدیک کردن هرچه بیش‌تر فلسفه و دین اسلام پیشنهاد شده است.

## فهرست مطالب:

۱	مقدمه
۱	الف) سؤال‌های اصلی و فرعی تحقیق
۱	سؤال اصلی:
۲	سؤال‌های فرعی:
۶	ب) سابقه‌ی تحقیق
۹	ج) روش تحقیق
۱۰	د) اهداف تحقیق
۱۳	ه) پیشنهاد تحقیق
۱۴	و) مختصری از عناوین
۱۶	<b>فصل اول: فلسفه چیست؟</b>
۱۷	مقدمه:
۱۷	تعریف لغوی فلسفه:
۱۸	نگاهی اجمالی به تاریخ فلسفه:
۲۶	رویکرد فلاسفه‌ی مسلمان به موضوع فلسفه:
۳۲	موضوع فلسفه:
۳۳	ضرورت فلسفه:
۳۵	شواهد موجود برای موضوع فلسفه:



۳۸	شمره‌ی بحث:
۴۲	روش فلسفه:
۴۷	اختلافات مکاتب فلسفی:
۴۸	تعریف فلسفه:
۴۹	نگاهی اعم به فلسفه:
۵۲	<b>فصل دوم: دین اسلام چیست؟</b>
۵۳	مقدمه:
۵۵	نگاه برون‌دینی به دین اسلام:
۵۵	منشأ دین:
۶۱	زبان دین:
۶۵	قلمرو دین:
۶۸	نگاه درون‌دینی به دین اسلام:
۶۸	منابع دین اسلام:
۸۱	گزاره‌های فلسفی در دین اسلام:
۸۲	تأیید هستی‌شناسی عقلانی توسط دین:
۸۵	هستی‌شناسی و حیانی:
۸۸	<b>فصل سوم: مناسبات فلسفه و اسلام</b>
۸۹	مقدمه:
۹۰	معانی مختلف فلسفه‌ی اسلامی:
۹۳	فلسفه‌ی اسلامی به چه معنایی ممکن است؟

- ۹۳ نظریه‌هایی که فلسفه‌ی اسلامی را رد می‌کنند:
- ۱۰۵ نظریه‌هایی که فلسفه‌ی اسلامی را اشتباه یا به صورت ناقص معرفی می‌کنند:
- ۱۱۷ خدمات متقابل اسلام و فلسفه:
- ۱۱۷ دین اسلام بدون فلسفه چه نقص‌هایی دارد؟
- ۱۱۹ فلسفه بدون دین اسلام چه نقص‌هایی دارد؟
- ۱۲۲ هویت فلسفه‌ی اسلامی:
- ۱۲۳ دفع دخل:
- ۱۲۵ معنایی متفاوت از فلسفه‌ی اسلامی:
- ۱۲۸ فصل چهارم: تاریخ تحلیلی ادوار فلسفه‌ی اسلامی
- ۱۲۹ مقدمه:
- ۱۳۰ دوره‌ی قبل از نهضت ترجمه:
- ۱۳۱ تأثیر دوره‌ی قبل از نهضت ترجمه بر فلسفه‌ی اسلامی:
- ۱۳۳ نقطه‌ی عطف دوره‌های قبل از نهضت ترجمه و نهضت ترجمه:
- ۱۳۴ دوره‌ی نهضت ترجمه:
- ۱۳۶ چگونگی انتقال علوم یونانی به عربی:
- ۱۴۱ خلوص متونی که به دست مسلمانان رسیده است:
- ۱۴۳ جایگاه نهضت ترجمه در فلسفه‌ی اسلامی:
- ۱۴۶ دوره‌ی شکل‌گیری فلسفه‌ی اسلامی:
- ۱۴۹ دوره‌ی انتقاد از فلسفه‌ی اسلامی:
- ۱۵۸ دوره‌ی ظهور عرفان نظری:
- ۱۶۰ مخالفت عرفان با عقل فلسفی:

۱۶۴	دوره‌ی شکوفایی فلسفه‌ی اسلامی:
۱۶۹	فصل پنجم: آینده‌ی فلسفه‌ی اسلامی
۱۷۰	مقدمه:
۱۷۲	بخش اول: نظریات تکمیلی پیرامون آینده‌ی فلسفه‌ی اسلامی:
۱۷۲	نظری کلی به نظریات:
۱۷۳	نظریه‌ی اول: بروز فلسفه‌ی اسلامی در فقه:
۱۷۶	نظریه‌ی دوم: تأویل عقلی بعضی از آیات و روایات:
۱۸۰	نظریه‌ی سوم: تفکیک فلسفه، عرفان و قرآن:
۱۸۷	مکتب تفکیک در معرفی فلسفه‌ی اسلامی:
۱۹۱	نظریه‌ی چهارم: عدم جدایی فلسفه و اسلام:
۱۹۴	بخش دوم: آینده‌ی فلسفه‌ی اسلامی:
۱۹۴	مقدمه:
۱۹۵	پیشنهاد برای شناخت هستی‌شناسی و حیانی:
۱۹۶	تدوین دوباره‌ی علم اصول فقه:
۱۹۷	دو نکته
۱۹۹	پرسش و پاسخ:
۲۰۴	سخن پایانی
۲۰۵	فهرست منابع
۲۱۴	چکیده‌ی انگلیسی
۲۱۵	چکیده‌ی صربی

## مقدمه

### الف) سؤال‌های اصلی و فرعی تحقیق:

«هویت فلسفه‌ی اسلامی» عنوان پایان‌نامه‌ای است که آن را می‌خوانید. عنوان، گویای این مسأله است که در آنچه خواهید خواند، جوابی برای این پرسش که فلسفه‌ی اسلامی چیست، پیدا خواهید کرد.

چیستی فلسفه‌ی اسلامی را می‌توان از جنبه‌های مختلفی بررسی کرد. بررسی تاریخ فلسفه‌ی اسلامی، احصای مسائلی که در فلسفه‌ی اسلامی بحث می‌شوند یا هر نوع دیدگاه دیگری که بتوان به فلسفه‌ی اسلامی داشت، از نمونه‌های مباحثی هستند که می‌توان پیرامون چیستی فلسفه‌ی اسلامی انجام داد.

### سؤال اصلی:

منظور ما از طرح پرسش مذکور، پی‌گیری مسأله‌ای خاص در ارتباط با هویت فلسفه‌ی اسلامی می‌باشد. آن چیزی که در این پایان‌نامه مورد توجه قرار گرفته است، اسلامی بودن فلسفه‌ی اسلامی می‌باشد و نه چیز دیگر. اگر مسائلی دیگر مانند تاریخ فلسفه در این پایان‌نامه ذکر شده است، نه از این جهت است که مثلاً به خود تاریخ فلسفه می‌نگریم، بلکه تمام این مسائل تنها و تنها از این جهت که در شناختن هویت فلسفه‌ی اسلامی به معنایی که گذشت، به ما کمک می‌کنند، تحت این عنوان گنجانده می‌شوند.

از همین رو، می‌توان گفت که پرسش اساسی‌ای که سایر مطالب اصلی و فرعی بر دور آن، مطرح خواهند گردید، این است که اسلامی بودن فلسفه‌ی اسلامی به چیست.

البته، تذکر این نکته خالی از لطف نیست که منظور از فلسفه در این پایان‌نامه، فلسفه‌ی اولی می‌باشد. همین سخنی را که در مورد فلسفه‌ی اولای اسلامی خواهیم زد، می‌توان در باب فلسفه‌ی اخلاق، فلسفه‌ی سیاست و دیگر فلسفه‌هایی که کار عقلانی در آنها انجام می‌پذیرد سرایت داد و از فلسفه‌های مضاف اسلامی گفت و از تجربه‌ی به وقوع پیوسته در عرصه‌ی فلسفه‌ی اولای اسلامی درس گرفت. فیلسوفان ما، گرچه در گذشته، فلسفه‌های مضاف را هم تا حدودی در بحث‌های خود شکل داده‌اند، ولی این رشته‌های فلسفی مانند فلسفه‌ی اولی پرشور دنبال نشد، لذا در مسیر اسلامی کردن آنها گام‌های جدی برداشته نشد. لذا می‌توان از الگوی «هویت فلسفه‌ی اسلامی» در طراحی فلسفه‌های مضاف اسلامی نیز کمک گرفت.

#### سؤال‌های فرعی:

برای جواب این پرسش که اسلامی بودن فلسفه‌ی اسلامی به چیست، ناگزیر هستیم که به تمام جوانب آن، دقت کنیم. مقدماتی که برای پاسخ‌گویی به این پرسش لازم هستند، احتمالاتی که در جواب این پرسش ممکن هستند، رویکردهای متفاوتی که از دیدگاه‌های مختلف می‌توانیم به اسلامی بودن فلسفه داشته باشیم و مسائلی از این قبیل، از جمله اطلاعاتی هستند که ما در جهت دست‌یابی به پاسخ این سؤال که اسلامی بودن فلسفه‌ی اسلامی به چیست، باید با آنها آشنا بشویم.

هرچه آشنایی ما با این مسائل دقیق‌تر و هدفمندتر باشد، نتیجه‌ای که ما از این پایان‌نامه به دست می‌آوریم کامل‌تر و مصیب‌تر خواهد بود. لذا برای این که بتوانیم موضوع پایان‌نامه را به نحو مطلوبی به سرانجام برسانیم، لازم است از ابتدا با انواع سؤالاتی که باید در ادامه، پاسخ آنها را طلب کنیم، آشنا بشویم.

اولین سؤالی که باید به آن پردازیم، مباحث مربوط به عناصر تشکیل‌دهنده‌ی موضوع، یعنی فلسفه و دین اسلام، می‌باشند، چرا که برای فهمیدن احکامی که بر اسلامی بودن فلسفه‌ی اسلامی بار می‌شود، باید قبل از آن، مفهوم دقیق فلسفه و دین اسلام را شناخته باشیم.

جایگاه اصلی تعریف اجزای موضوع پایان‌نامه این است که بفهمیم منظور ما از مفاهیم فلسفه و اسلامی در ترکیب فلسفه‌ی اسلامی چه می‌باشد. اگر این مسأله در ابتدا مشخص نشود، ممکن است در ادامه به بحث‌ها و ناسازگاری‌هایی برخوردیم که ناشی از تعاریف مختلف این عناوین می‌باشد. به عنوان مثال، اگر با تعریفی از دین اسلام مواجه بشویم که عقل را به طور کلی منتفی می‌داند، دیگر همه‌ی تلاش‌های ممکن برای تبیین هویت فلسفه‌ی اسلامی بی‌ثمر خواهند ماند.

سؤالاتی که در این زمینه مطرح هستند، تنها از آن جهت که با موضوع مرتبط هستند، ذکر می‌شوند. به همین دلیل، ممکن است سؤالات مهمی در شناخت فلسفه یا دین اسلام وجود داشته باشند که چون مستقیماً به موضوع مربوط نیستند، در این بخش گنجانده نشده باشند.

سؤالات مرتبط عبارتند از:

آیا موضوع فلسفه تمام هستی است یا حصه‌ی خاصی از هستی؟

تلقی فلاسفه‌ی مسلمان از موضوع فلسفه چیست؟

آیا روش فلسفه برهانی و عقلانی است یا غیر آن؟

آیا می‌توان نام فلسفه را بر دین یا عرفان گذاشت؟ به چه اصطلاحی؟

آیا منشأ دین اسلام خدا است یا جهل، ترس یا چیز دیگر؟

آیا زبان دین معرفت‌خیز است یا انگیزشی؟

آیا قلمرو دین شامل هستی‌شناسی و گزاره‌های فلسفی نیز می‌شود یا خیر؟

آیا دین اسلام تعقل را نکوهش می‌کند یا ستایش؟

آیا در دین اسلام هستی‌شناسی وجود دارد؟

پس از انجام تعاریف، به بحث اصلی که هویت فلسفه‌ی اسلامی است، می‌رسیم. از

آنجایی که می‌توانیم رویکردهای متفاوتی به این بحث داشته باشیم، سؤالاتی که در زمینه‌ی

هویت فلسفه‌ی اسلامی مطرح می‌شوند، متعدد خواهند بود.

اولین رویکردی که به این پرسش قابل تصور است، رویکرد تحلیلی است. رویکرد تحلیلی به مسأله‌ی هویت فلسفه‌ی اسلامی بدین معناست که فارغ از هرگونه نظر به عالم خارج، ولی البته متأثر از آن، به ذکر نظریاتی که ممکن است در رابطه با پیوند فلسفه با اسلام مطرح شوند، بپردازیم.

در اینجا می‌توانیم با تنوع نظریات مواجه بشویم. نظریه‌ای که در این بخش خواهیم پذیرفت، بستگی به این دارد که چه جوابی برای پرسش‌های خود در این قسمت داشته باشیم.

آیا ترکیب فلسفه‌ی اسلامی ممکن است؟

آیا فلسفه‌ی اسلامی جز یک نامگذاری ساده چیز دیگری هست؟

آیا واقعاً اسلامی بودن فلسفه به واقعیتی داخل در فلسفه اشاره می‌کند یا اسم و عنوانی

است جهت تفاوت گذاشتن میان آن و دیگر فلسفه‌ها؟

بدیهی است که اگر پاسخ منفی برای این سؤالات تدارک دیده باشیم، باید به این

واقعیت قائل شویم که فلسفه‌ی اسلامی در مرتبه‌ای بالاتر از لفظ وجود ندارد و تنها نامگذاری است که حقیقت فلسفه‌ی اسلامی را شکل داده است.

در مقابل، اگر بپذیریم که فلسفه‌ی اسلامی به حقیقتی داخل این فلسفه اشاره دارد، با

سؤالات دیگری مواجه می‌شویم که چپستی فلسفه‌ی اسلامی را مورد پرسش قرار می‌دهند.

آیا فلسفه‌ی اسلامی چیزی بر فلسفه‌ی یونانی اضافه دارد یا همان شرح فلسفه‌ی یونانی

و دوره‌ای از دوره‌های فلسفی یونان است؟

آیا فلسفه‌ی اسلامی همان کلام اسلامی است یا با آن تفاوت دارد؟

آیا فلسفه‌ی اسلامی به دلیل استفاده‌ی مسلمین از آن، اسلامی شده است؟

آیا ملاک اسلامی بودن فلسفه‌ی اسلامی، حضور آن در تمدن و فرهنگ اسلامی است؟

آیا اسلامی بودن فلسفه‌ی اسلامی به دلیل پیوند آن با قرآن و سنت می‌باشد؟

غیر از رویکرد تحلیلی، می‌توانیم رویکرد توصیفی تاریخی به اسلامی بودن فلسفه‌ی

اسلامی داشته باشیم. از آنجا که موضوع کلی پایان‌نامه، بررسی هویت فلسفه‌ی اسلامی

می‌باشد، بحث از تاریخ فلسفه نیز در همین راستا مطرح خواهد شد. طبیعتاً بحث از تاریخ

فلسفه در این مقام، باید بحثی برون‌فلسفی باشد، چرا که سؤال از مسائل جزئی فلسفی نیست، بلکه سؤال از روح فلسفه است که چگونه اسلامی می‌باشد.

بررسی تاریخ فلسفه به این منظور انجام می‌شود که معلوم شود اسلامی بودن فلسفه‌ی اسلامی در طول تاریخ با چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی صورت گرفته است و طی چه تحولاتی اسلامی بودن فلسفه‌ی اسلامی احیاناً تغییر شکل پذیرفته است.

به همین جهت، سؤالاتی که در این قسمت به آن‌ها توجه می‌شود، سؤالاتی توصیفی تاریخی هستند و ناظر به ویژگی‌های کلی مکاتب مختلف فلسفی می‌باشند.

فلسفه چگونه به جهان اسلام وارد شده است؟

بروز فکر فلسفی اسلامی به چه شکلی صورت پذیرفت؟

فلسفه‌ی اسلامی تحت تأثیر چه جریانی به وجود آمد؟

تغییراتی که در تفکر فلسفی اسلامی صورت گرفت، چه بوده است و چه تأثیری بر

روند فلسفه‌ی اسلامی داشته است؟

دوره‌هایی که فلسفه‌ی اسلامی از آن عبور کرده است کدام‌اند؟

فلسفه‌ی اسلامی با چه تفکراتی در تقابل و تعامل بوده است؟

جایگاه فعلی فلسفه‌ی اسلامی چیست و مکتب حکمت متعالیه، که واپسین مکتب

فلسفی جهان اسلام است، چه پیشرفتی در فلسفه‌ی اسلامی به دست آورده است؟

بالأخره، آخرین رویکردی که به موضوع هویت فلسفه‌ی اسلامی می‌توانیم داشته

باشیم، رویکردی ترکیبی است که از دو رویکرد قبلی به دست می‌آید. پرسشی که از تلفیق

رویکرد تحلیلی به فلسفه‌ی اسلامی و رویکرد توصیفی تاریخی به فلسفه‌ی اسلامی به دست

می‌آید، این است که آینده‌ی فلسفه‌ی اسلامی چه باید باشد.

سؤالاتی که در این زمینه مطرح هستند، ناظر به برداشت‌هایی هستند که نظریه‌پردازان

پیرامون هویت فلسفه‌ی اسلامی ارائه کرده‌اند. شناختن این نظریه‌ها به طراحی فضایی که

بتوانیم در آن، پیشنهادی برای آینده‌ی فلسفه‌ی اسلامی بدهیم، مؤثر خواهد بود. طبیعتاً داشتن



دورنمایی از آنچه فلسفه‌ی اسلامی باید باشد، در فهم جایگاه اصلی فلسفه‌ی اسلامی و غایت آن، نقش بزرگی را ایفا می‌کند.

### ب) سابقه‌ی تحقیق:

با توجه به سؤالاتی که مطرح شدند، روشن می‌شود که بحث از هویت فلسفه‌ی اسلامی می‌تواند بحث بسیار پردامنه‌ای باشد. از همین رو، هنگامی که سؤال از سابقه‌ی چنین تحقیقی به میان می‌آید با یک مشکل بزرگ روبرو می‌شویم و آن، این است که در هیچ منبعی تمام این سؤالات در یک جا پاسخ داده نشده‌اند.

علاوه بر این، مشکلی دیگر که تحقیق در این زمینه را نادر کرده است، این است که پرسش از اسلامی بودن فلسفه‌ی اسلامی، پرسشی است که به تازگی در اذهان متفکران جایی برای خود باز کرده است. از همین رو، می‌توان گفت که بحث و گفتگو در مورد اسلامی بودن فلسفه‌ی اسلامی با تفصیلی که ملاحظه شد، چیزی است که به تازگی مورد توجه قرار گرفته است.

تمام این مسائلی که ذکر کردم، مانع این نیستند که ما در جای جای کتب و مقالات، مطالبی ارزشمند پیرامون هویت فلسفه‌ی اسلامی و این پرسش که اسلامی بودن فلسفه‌ی اسلامی به چیست، نبینیم. با این توجه، به سراغ انواع منابعی می‌رویم که می‌توانیم در آن‌ها به گونه‌ای با این موضوع مواجه شویم.

برای این که نظری منسجم به آثار موجود در این موضوع پیدا کنیم، آن‌ها را به چند دسته تقسیم می‌کنیم.

دسته‌ی اول، آثاری هستند که پیرامون ارتباط دین و فلسفه به صورت کلی بحث کرده‌اند. آیا دین مقدم بر فلسفه است یا فلسفه مقدم بر دین، سؤالی است که در این گونه نوشته‌ها پیدا می‌کنیم. کمبود این گونه نوشته‌ها، بررسی مورد خاص فلسفه‌ی اسلامی است که

مورد غفلت واقع می‌شود. لذا می‌توان گفت که بحث حاضر و این دسته منابع، تنها در بعضی مسائل، مشترک هستند.

علی (ع) و الفلسفة الإلهية از علامه طباطبائی، حکمت الهی و نهج البلاغه از دکتر محمد مفتاح، سیری در نهج البلاغه از استاد مطهری، حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، و علی بن موسی الرضا (ع) و الفلسفة الإلهية از استاد جوادی آملی، خدا در نهج البلاغه از محمدعلی گرامی، الهیات نهج البلاغه از لطف‌الله صافی و علی و الفلسفة از محمدجواد مغنیه کتاب‌هایی هستند که به این بخش از موضوع اشاره دارند و کم و بیش با هویت فلسفه‌ی اسلامی مرتبط می‌شوند.

دسته‌ی دوم، کتب تاریخ فلسفه‌ی اسلامی هستند. این‌گونه کتاب‌ها معمولاً به سیر تاریخی فکر فلسفی در جهان اسلام می‌پردازند. وظیفه‌ی نویسندگان این کتب، بررسی همه‌جانبه‌ی افکار فلسفی فیلسوفان مسلمان می‌باشد. لذا توجه به اسلامی بودن فلسفه که تنها یک جنبه‌ی خاص از افکار فیلسوف است، بعضاً در این‌گونه کتب به چشم می‌خورد.

تاریخ فلسفه‌ی اسلامی از هانری کربن، تاریخ فلسفه‌ی اسلامی از حسین نصر و الیور لیمن، تاریخ فلسفه‌ی اسلامی از مصطفی عبدالرزاق و کتاب‌های مشابه آن، مخصوصاً در قسمت ابتدایی و تحلیلی به موضوع چگونگی پیوند دین اسلام و فلسفه در فلسفه‌ی اسلامی پرداخته‌اند.

دسته‌ی سوم، کتاب‌ها و مقالاتی هستند که مستقیماً به همین موضوع پرداخته‌اند. البته، اکثریت قریب به اتفاق این منابع، مقالاتی هستند که گاهی در یک کتاب واحد گردآمده‌اند. به همین دلیل، می‌توانیم به جرأت بگوییم که بحث ناب پیرامون هویت فلسفه‌ی اسلامی که بیش از یک مقاله به آن بها داده شده باشد، وجود ندارد.

حتی کتابی تحت همین عنوان «هویت فلسفه‌ی اسلامی»، نوشته‌ی سعید رحیمیان که سال ۸۳ توسط انتشارات دفتر تبلیغات حوزه‌ی علمیه‌ی قم منتشر شده است، تنها در مقاله‌ی اول، به این مسأله می‌پردازد و سایر قسمت‌های آن، به مقالاتی دیگر با موضوعی مشابه اختصاص دارند.

موردی دیگر که به ذهنم می‌رسد، اثر دکتر ابراهیم مدکور «درباره‌ی فلسفه‌ی اسلامی» می‌باشد. در آن کتاب، دکتر مدکور از نظر تحلیلی و توصیفی تاریخی به مسأله می‌نگرد، ولی مطالبی که او تألیف کرده است، پاسخ‌گوی تمام پرسش‌هایی که مرتبط با موضوع هستند، نمی‌باشند. ضمن این که ایشان در رویکرد تحلیلی خود به مسأله‌ی هویت فلسفه‌ی اسلامی، تنها به نظریه‌ی خودشان توجه نشان دادند، در صورتی که در قسمت سؤالات دیدیم که مسأله، گسترده‌تر از این می‌باشد که تنها در یک نظریه خلاصه شود.

اما از مقالاتی که در این زمینه نوشته شده‌اند، می‌توان به مقالات مندرج در مجلات معرفت فلسفی، کیهان اندیشه و کتاب گفتگوی دین و فلسفه اشاره کرد. میزگردهای فلسفه‌شناسی در معرفت فلسفی که یک جلسه به فلسفه‌ی اسلامی پرداخته بود، مقاله‌ی «آیا فلسفه‌ی اسلامی داریم» از آقای عبودیت، مقالات متعدد آیت‌الله عابدی شاهرودی در هویت فلسفه‌ی اسلامی در کیهان اندیشه و مقالات کتاب گفتگوی دین و فلسفه که به مصاحبه با متفکران نامی عصر معاصر در موضوع فلسفه‌ی اسلامی پرداخته‌اند، از جمله مقالاتی هستند که اشاره‌های مستقیمی به این موضوع دارند، ولی از آنجایی که در شکل مقاله نوشته شده‌اند، حق مطلب را به تمامی ادا نکرده‌اند.

دسته‌ی چهارم، کتاب‌هایی هستند که پیرامون هویت فلسفه‌ی مسیحی نوشته‌اند. بحث از هویت فلسفه‌ی مسیحی، از جهاتی شبیه بحث از هویت فلسفه‌ی اسلامی است. هردوی این فلسفه‌ها، فلسفه‌های دینی هستند که مشکل آن‌ها، برقراری نسبت و پیوند میان فلسفه و دین می‌باشد. البته، تفاوتی بین این دو موجود است، و آن، این است که در فلسفه‌ی مسیحی، آن عنصری که مورد تشکیک قرار می‌گیرد فلسفه است و بعضی از متفکران معتقدند که فلسفه در مسیحیت معنا ندارد، در صورتی که در مورد فلسفه‌ی اسلامی عمدتاً به این مسأله، اشکال وارد می‌کنند که فلسفه نمی‌تواند به دین اسلام اضافه شود. البته، وجود استثنائات در هر دو مورد ممکن است.

کتابی که به خوبی از پس مشکل فلسفه‌ی مسیحی و تبیین آن برآمده است، کتاب «روح فلسفه‌ی قرون وسطی» می‌باشد که شیوه‌ای خاص را در کتاب خود دنبال کرده است.

شیوه‌ی او در آن کتاب، بررسی تاریخی توصیفی موضوع محورانه‌ی فلسفه‌ی مسیحی بوده است. به عبارت دیگر، ژیلسون پس از بحث‌های کلی در ابتدای کتاب، سیر موضوعات فلسفی جهان مسیحیت را با تحولاتی که تجربه کرده‌اند بررسی کرده است.

تمام این منابع گوناگون، می‌توانند ما را در این پایان‌نامه مدد برسانند. پایان‌نامه‌ای که پیش رو دارید، از تمام نوشته‌هایی که در جهان اسلام پیرامون هویت فلسفه‌ی اسلامی نوشته شده‌اند، مفصل‌تر می‌باشد. علت این که مفصل‌تر از سایر نوشته‌ها می‌باشد، این است که دیگر نوشته‌ها یا مستقیماً به موضوع هویت فلسفه‌ی اسلامی متوجه نشده‌اند یا اگر شده‌اند، تمام جهات بحث را در نظر نگرفتند.

لذا، نظر خود نویسنده‌ی این سطور، این است که نوشته‌ی حاضر می‌تواند گام اول خوبی برای تحلیل و تبیین هویت فلسفه‌ی اسلامی باشد.

### ج) روش تحقیق:

شاید تمام تحقیقات فلسفی، با مراجعه به کتابخانه‌ها قابل انجام می‌باشند. این تحقیق نیز از قاعده‌ی فوق، مستثنی نیست. روش جمع‌آوری داده‌ها برای نوشتن این تحقیق، با مراجعه به کتابخانه‌ها شکل گرفته است.

لیکن، هنگامی که سخن از روش تحقیق می‌شود، ذکر این که داده‌ها از کدام منبع و چگونه جمع‌آوری شده‌اند، تنها یک جنبه‌ی پاسخ می‌باشد. آن چیزی که اهمیت بیشتری دارد، این است که داده‌هایی که جمع‌آوری شده‌اند با چه روشی پرداخته شده‌اند. صحیح این است که ما این جنبه از روش تحقیق را تفصیل بدهیم.

در طول نوشتن پایان‌نامه، هیچ‌گاه بر خود روش تحقیق خاص یا دیدگاه خاصی را اجبار نکردم. روش کلی‌ای که در تحقیق دنبال کرده‌ام، این بود که تحقیق به صورت آزاد نوشته شود، به این معنا که برای رسیدن به حقیقت مطلب، بتوانم از هر روشی استفاده کنم. هدف این